



بحران کرونا:

چاره‌ای جز توسعه حمایت اجتماعی نیست

مجموعه گزارش‌های «کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی» تحت نظر معاونت رفاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و با همکاری جمعی از پژوهش‌گران علوم اجتماعی تهیه می‌شود. معاونت رفاه، از اواخر بهمن ماه، با هدف به‌روزرسانی اطلاعات موجود از تجارب جهانی در زمینه حمایت‌های اجتماعی در واکنش به بحران کرونا، به ترجمه و تلخیص گزارش‌های منتشر شده دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی روی آورد. به مرور، جهت استفاده گسترده‌تر سیاست‌گذاران، مدیران و دانشجویان از این مطالب، معاونت تصمیم به انتشار آن‌ها در قالب یک مجموعه گزارش گرفت. مطالب منتشر شده در این شماره خلاصه‌ای از نکاتی است که در شماره‌های اول تا دهم گزارش‌های «کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی» تهیه شده است. این گزارش پس از ارائه خلاصه‌ای از تأثیر بحران کرونا بر نیروی کار، با توضیحی کوتاه در مورد بینش کلان، اهداف و اولویت‌های تولیدکنندگان این گزارش‌ها به پایان می‌رسد.



اما این بحران‌های پیاپی به کجا می‌انجامد؟ تأثیرات بحران کرونا در همه کشورهای و برای همه افراد یکسان نیست. در یادداشت آخر **گزارش دوم** نشان دادیم که همه‌گیری جهانی کووید-۱۹، مانند بحران‌های پیش از آن در دهه اخیر، نابرابری‌های موجود را، که از دهه ۱۹۸۰ مدام در حال افزایش است، به طرز بی‌رحمانه‌ای پررنگ کرده است. در این گزارش همچنین نشان دادیم که بحران کرونا، روشن‌تر از بحران‌های گذشته، نشان

و درگیری اجتماعی ناشی از آن؛
● عدم ایجاد تغییرات در مدیریت شهری و توسعه زیرساخت‌های لازم متناسب با رشد سریع شهرنشینی؛
● افزایش نیاز به انرژی و احتمال برآورده نشدن نیازهای صدها میلیون خانوار؛
● باقی ماندن گرسنگی و سوء تغذیه به‌عنوان یک مسئله پایدار در بسیاری از کشورهای فقیر.
این مسائل، در کنار افزایش تعداد تروریسم و حملات سایبری، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای و زندگی در سایه امنیت شکننده، تأثیر عمده‌ای بر معیشت و سلامت جسمی و روانی افراد، خانوارها و اجتماعات آسیب‌پذیر خواهد گذاشت و در طول زمان به شکل‌گیری نارضایتی‌های عمده منجر خواهد شد.

● **بحران کرونا و قرن ۲۱: تبدیل «وضعیت بحرانی» به «وضعیت عادی جدید»**
شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد «بحران» کرونا نه یک استثنا، بلکه قاعده‌ای است در قرن بحران زده ۲۱؛ **گزارش نهم** با مرور این شواهد آغاز می‌شود. گزارش‌های سازمان ملل از موارد زیر به عنوان مهمترین بحران‌ها و چالش‌های قرن یاد می‌کند:
● عدم تصویب و اجرای سیاست‌های حمایت از محیط زیست و عدم قبول مسئولیت مشترک توسط بسیاری از دولت‌ها؛
● بحران‌های مالی مداوم و عدم دسترسی افراد و شرکت‌ها به اعتبار بلندمدت مورد نیاز برای توسعه پایدار؛
● افزایش شدید نابرابری درآمدی در سطح جهان و تنش

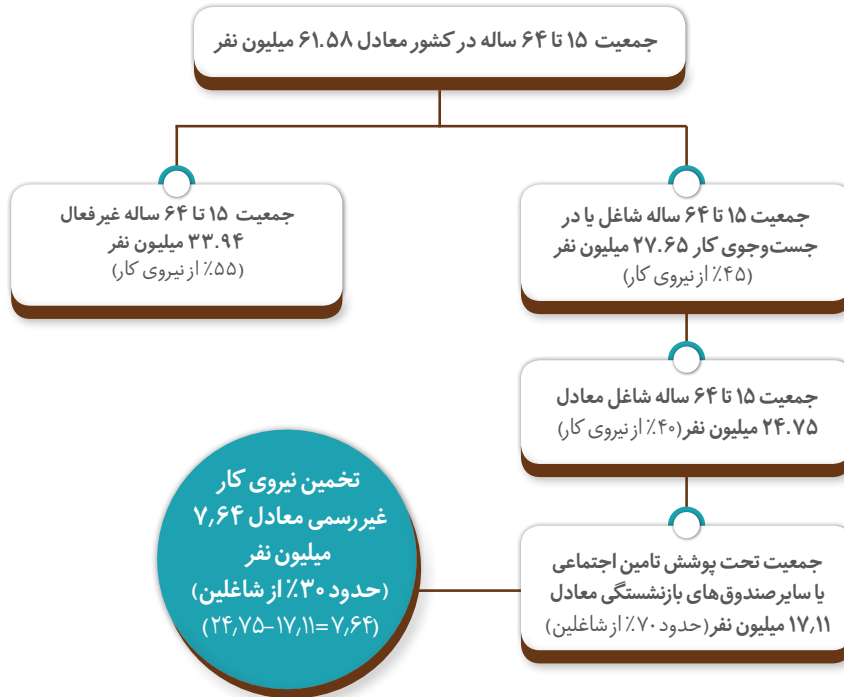
بحران کرونا موفقیت اروپا را نیز در مبارزه با نابرابری تهدید می‌کند، البته نه به طور یک‌دست: کشورهای نورادیک (Noradic)، با تأکید بر پیش توزیع (pre-distribution) موفق‌تر عمل کرده‌اند در حالی که کشورهای اروپای غربی و جنوبی، که بر بازتوزیع (re-distribution) تأکید دارند، موفقیت کمتری در مبارزه با نابرابری داشته‌اند.

● **افراد و مناطق جغرافیایی مختلف به طور یکسان در معرض بحران‌ها و نتایج ناخواسته آن قرار نمی‌گیرند**
نابرابری در ابتلا به کووید-۱۹ و دست‌وپنجه نرم کردن با تأثیرات اقتصادی-اجتماعی همه‌گیری جهانی

قرن حاضر قرن بحران‌های مالی، محیط زیستی، جنگ و خشونت فراگیر است و تنها با سیاست‌های حمایتی می‌توان به جوامع مصونیت بخشید.

کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی

گزارش یازدهم | هفتم تیر ۱۳۹۹



تخمین‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷,۶۴ میلیون نفر (۳۰٪ شاغلین) در بخش غیررسمی مشغول به کارند و سه میلیون نفر از این تعداد در سه دهک پایین درآمدی قرار دارند.

دولت‌ها قرار گرفته‌اند. اقتصاد غیررسمی با نیروی کاری معادل با ۲ میلیارد نفر، بخش قابل توجهی از اقتصاد جهانی و تولید ناخالص داخلی کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. اشتغال ۱.۶ میلیارد از این افراد در جهان به طور جدی تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته است و حداقل ۱.۱ میلیارد نفر از نیروی کار این بخش در کشورهای زندگی و کار می‌کنند که در آن‌ها قرنطینه کامل اعمال شده است. افرادی چون خرده‌فروش‌ها، دست‌فروش‌ها، کارگران ساختمانی و حمل و نقل، خدمت‌کاران خانگی، برخی از کارکنان بخش‌های اسکان و تغذیه، کشاورزی، تولیدات صنعتی و هنر، تفریح و سرگرمی. تقریباً تمام این نیروی کار غیررسمی آسیب‌دیده در واحدهای اقتصادی با کمتر از ۱۰ نفر اشتغال دارند. اگرچه دولت‌ها و بانک‌های مرکزی بسته‌های اقتصادی گسترده‌ای را برای حفظ بنگاه‌ها و تأمین کمک درآمدی برای کارگران ارائه کرده‌اند، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، که ۸۰ درصد بنگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهند، معمولاً از حیثه شمول سیاست‌های عمومی بیرون می‌افتند.

بخش آخر گزارش هشتم به نرخ اشتغال غیررسمی در ایران می‌پردازد. گرچه این نرخ، نسبت به کشورهای منطقه پایین است، اما کیفیت و کفایت خدمات ارائه شده به افراد تحت پوشش بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی جای بررسی بسیار دارد. اگرچه آمار رسمی از اشتغال غیررسمی در ایران منتشر نشده است، اما پژوهشی اخیر، با استفاده از داده‌های مرکز آمار و اطلاعات منتشرشده توسط هیأت امنای سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه، تعداد نیروی کار غیررسمی و پراکندگی آن‌ها در دهک‌های مختلف درآمدی

افراد کم‌درآمد

گزارش سوم نشان می‌دهد که بازده اقتصادی بخش‌هایی که مزد کارکنانشان از متوسط پایین‌تر است بیش از سایر بخش‌ها کاهش یافته است. همچنین، افراد کم‌درآمد، بیش از سایرین، با موانعی در برابر رعایت قوانین مربوط به قرنطینه مواجه هستند. نیویورک تایمز، با بررسی اطلاعات موقعیت مکانی تلفن‌های هوشمند، نشان داده است که رفت و آمد افراد پردرآمد در سطح شهرها در ایالات متحده کاهش بیشتری داشته است. استفاده زیاد از متروی نیویورک در ایستگاه‌های محلات فقیرنشین بازتابی از این نابرابری است (گزارش سوم، صفحه ۴). در انگلستان نیز کم‌درآمدترین افراد جامعه شش برابر کمتر از سایرین امکان دورکاری دارند، در حالی که تمایل به کار از خانه و قرنطینه شخصی در همه موارد یکسان بوده است. گرچه این آمارها صرفاً مربوط به شهرهای آمریکا و انگلستان است، اما به احتمال زیاد الگوهای مشاهده شده در این کشورها، در بسیاری از مناطق کلان‌شهری دنیا نیز که با این بحران دست به گریبان‌اند قابل مشاهده است. نتایج پیمایش‌ها در برخی کشورهای دیگر نیز نشان داده است که افراد پردرآمد از خطرات آگاهی بیشتری دارند، دسترسی‌شان به اطلاعات بیشتر است و بیشتر احتمال دارد شرایط دورکاری برایشان فراهم شود.

شاغلین غیررسمی

گزارش هشتم به شاغلین غیررسمی می‌پردازد؛ از جمله دیگر گروه‌هایی که به شدت تحت تأثیر نتایج ناخواسته اجرای قوانین مربوط به قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی

داده است که همه ما به اندازه آسیب‌پذیرترین افراد جامعه تحت تأثیریم و نابرابری در پیشگیری و درمان در نهایت تمام جمعیت را در معرض خطر قرار می‌دهد. گروه‌هایی از افراد که تست نمی‌شوند، نمی‌توانند در خانه بمانند یا از خدمات حفاظتی و درمانی برخوردار نیستند، به سرعت به خوشه‌های جدید انتقال و ویروس تبدیل می‌شوند.

همان‌طور که در گزارش‌های سوم، هفتم و هشتم دیدیم، گستردگی اقتصاد غیررسمی، ناکارآمدی اجرایی طرح‌های رفاهی و عدم کفایت، پوشش مناسب و جامعیت برنامه‌های حمایت اجتماعی، در کنار منابع مالی محدود و بعضاً ناپایدار اختصاص داده شده به این برنامه‌ها، بر دشواری‌های مقابله با این بحران می‌افزاید. نگاهی به توزیع شاخص «شدت فاصله‌گذاری اجتماعی»، تهیه شده توسط محققان دانشگاه آکسفورد در گزارش سوم، نشان می‌دهد که در برخی از کشورهای با درآمد متوسط، از جمله هند، پاکستان، برزیل و ویتنام، شدت بالای فاصله‌گذاری اجتماعی، بدون وجود حمایت‌های گسترده و کافی، گروه‌های آسیب‌پذیر را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

این مسئله البته مختص کشورهای با درآمد متوسط و پایین نیست. اگرچه دولت‌های رفاه اروپایی تا دهه‌ها توانسته بودند میزان نابرابری را نسبتاً کم نگه دارند، و در این زمینه از آمریکا موفق‌تر عمل کرده بودند، اما شدت رکود اقتصادی در اثر بحران‌های پی‌پی‌ی، شکاف‌های سیستم رفاهی اروپایی را آشکار ساخته است. بحران کرونا در واقع موفقیت اروپا در مبارزه با نابرابری را تهدید می‌کند، البته نه به طور یک‌دست: میزان نابرابری در کشورهای نوردیک (Nordic) کمتر است و تأکید این کشورها بر پیش‌توزیع (pre-distribution) است (به معنای سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، مراقبت بهداشتی همگانی، تنظیم بازار کار و در نتیجه هم‌گرایی دستمزدها)؛ در حالی که کشورهای اروپای غربی مانند فرانسه، و کشورهای اروپای جنوبی مانند ایتالیا، اتکای بیشتری بر بازتوزیع (re-distribution) ثروت دارند. در نهایت، در کشورهای اروپای شرقی، که به بازتوزیع یا پیش‌توزیع ثروت قائل نیستند، میزان نابرابری بالاتر است. البته جدا از اراده سیاسی، ظرفیت مالی کشورهای اروپای غربی نیز تأثیر زیادی در توانایی‌شان برای کنترل نابرابری داشته است.

در ادامه می‌بینیم که این ساختارهای نابرابر چگونه بر افراد کم‌درآمد، اقلیت‌های قومی-نژادی و سایر اقلیت‌ها، زنان، جوانان و شاغلین غیررسمی فشار مضاعف آورده است. در ادامه، خلاصه‌ای از آنچه در این ده شماره در مورد آسیب‌های همه‌گیری کرونا بر اجتماعات به حاشیه‌رانده شده گفته شده را می‌خوانیم.

رفت و آمد افراد پردرآمد در سطح شهرها کاهش بیشتری داشته است؛ استفاده زیاد از متروی نیویورک در ایستگاه‌های محلات فقیرنشین بازتابی از این نابرابری است.



تحصیل و مهارت آموزی جوانان در دوران کرونا متوقف شده و در اثر بحران موانع ورود به بازار کار یا تغییر شغل جهت دستیابی به مشاغل بهتر بسیار چالش برانگیزتر شده است.

و حقوق نیروی کار را با تهدید مواجه می کند؛
۳- موانع بزرگ تری بر سر راه یافتن شغل، ورود مجدد به بازار کار و تغییر شغل برای دست یابی به مشاغل بهتر، سبزی می شود. داده های موجود نشان می دهد که نرخ بیکاری جوانان، به ویژه زنان جوان، از فوریه ۲۰۲۰ به شدت افزایش یافته است. همچنین، نتایج پیمایش جهانی سازمان بین المللی کار با موضوع «جوانان و کووید-۱۹» که ۱۳ هزار نفر بدان پاسخ داده اند، حاکی از آن است که فعالیت شغلی بیش از یک ششم جوانانی که در پیمایش شرکت کرده اند، از زمان شیوع ویروس کرونا متوقف شده است. جوانانی نیز که هم چنان به اشتغال خود ادامه می دهند، با کاهش ۲۳ درصدی ساعات کاری و کاهش ۴۳ درصدی درآمد مواجه بوده اند. تداوم اشتغال ۷۶ درصد از زنان جوان و ۶۸ درصد مردان جوان در طول دوران کرونا به صورت دورکاری بوده است.

عملی نشدن توافق های بین المللی برای آمادگی در مقابل بحران ها

واکنش دولت ها نسبت به این بحران های پی در پی در سطح جهان و افزایش نابرابری چه بوده است؟ در گزارش دوم می خوانیم که بعد از بحران های اخیر، به ویژه بحران

نفر از آنان به بیماری کووید-۱۹ دچار شده اند.

کیفیت مشاغل زنان و امنیت شغلی آنان نیز بسیار از مردان پایین تر است. آن ها بخش اعظمی از اقتصاد غیر رسمی و مشاغل پاره وقت را به خود اختصاص داده اند و پیش بینی می شود که پس از پایان بحران، اولویت کم تری به احیای این دسته از مشاغل داده شود. هم چنین یکی از پیامدهای نوسان بازار کار در عصر کرونا و خالی شدن آن از زنان، رقابت مردان برای کار در مشاغلی است که پیش از این محل فعالیت کاری زنان بوده است. همین مسئله زنان را با دشواری هایی بر سر باز یابی مشاغل شان روبه رو خواهد ساخت.

جوانان

گرچه گزارش ششم، به تأثیر بحران کرونا بر بخش های مختلف اقتصادی می پردازد و آسیب پذیری جوانان را در برخی از بخش های اقتصادی به نمایش می گذارد، اما مهم ترین گزارش های سازمان بین المللی کار در مورد این گروه، به تازگی، و پس از انتشار ده گزارش اول معاونت رفاه، منتشر شده است. این گزارش ها نشان می دهد که بیش از سه چهارم شاغلین جوان در سال ۲۰۱۹ (به ویژه در آفریقا و آسیای جنوبی) در مشاغل غیر رسمی اشتغال داشتند و همین مسئله منجر به آسیب پذیری بیشتر آنان در برابر بحران ها و تکانه های اقتصادی شده است. این بحران جوانان را به سه طریق عمده تحت تأثیر قرار می دهد:

- ۱- توقف فرآیند تحصیل و مهارت آموزی که منجر به کاهش فرصت های شغلی و درآمد احتمالی آن ها در آینده می شود؛
- ۲- از بین رفتن مشاغل و ورشکستگی کسب و کارها و استارتاپ ها در ایام کرونا به کاهش درآمد و اشتغال منتهی شده

را مورد بررسی قرار داده است. تخمین های این گزارش نشان می دهد که حدود ۷,۶۴ میلیون نفر از مجموع ۲۴,۷۵ شاغل در ایران، در بخش غیر رسمی مشغول به کارند و سه دهک پایین درآمدی روی هم رفته سه میلیون نفر (۴۰٪) از شاغلان این بخش را به خود اختصاص داده است.

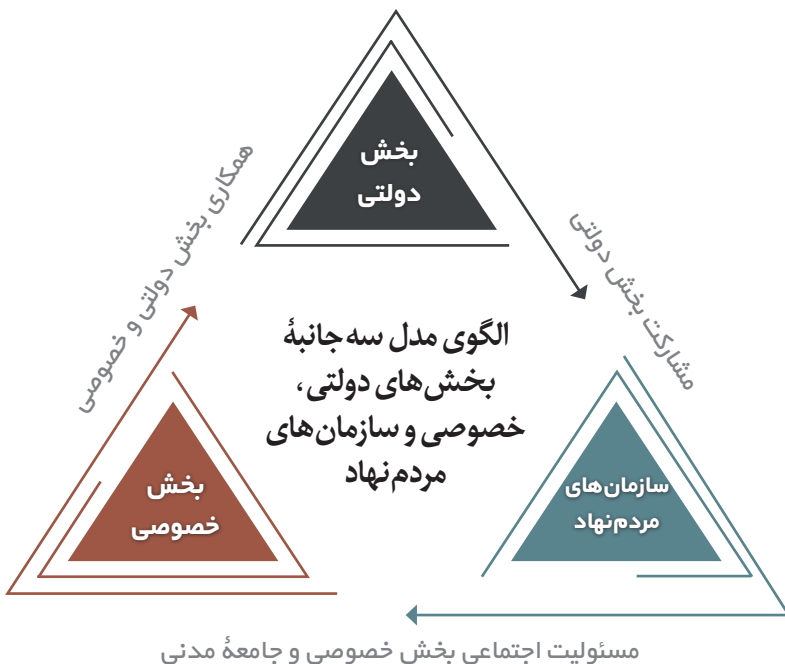
پیش زمینه قومی-نژادی

پیش زمینه قومی-نژادی پدیده پیچیده ای است که از عوامل متعددی چون ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، هویت فرهنگی، الگوهای رفتاری و عوامل ژنتیکی تأثیر می پذیرد. بخشی از گزارش سوم به نرخ بالای اقلیت های قومی-نژادی به بیماری کووید-۱۹ می پردازد. پژوهش های منتشر شده در انگلستان و ایالات متحده نشان می دهد که درصد مبتلایان در میان برخی اقلیت های قومی-نژادی بیش از سهم شان از کل جمعیت است و نسبت بزرگ تری از جمعیت اقلیت های قومی در مشاغلی کار می کنند که امکان دورکاری برای آن ها وجود ندارد. این مسأله در کنار عواملی چون فقدان پوشش بیمه ای بسیاری از آن ها، وضعیت سلامتی نامساعدتر آن ها و روبه رو شدن آنان با تبعیض در فرآیند درمان می تواند آسیب پذیری این گروه ها را به نمایش بگذارد. اگرچه تحلیل های موجود در مورد تأثیر پیش زمینه قومی-نژادی در میزان تأثیر پذیری از همه گیری جهانی کووید-۱۹، غالباً مربوط به آمریکا و انگلستان است، اما می توان تصور کرد که همین الگو در مورد گروه های قومی-نژادی و مذهبی به حاشیه رانده شده و مهاجران و پناهندگان در سایر کشورها نیز قابل مشاهده باشد.

زنان

بخش هایی از گزارش های چهارم، ششم و هشتم به مسئله زنان در بحران کرونا پرداخته اند. این گزارش ها نشان داده اند که بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ بیش از همه، آن دسته از بخش های اقتصادی را متأثر ساخت که مردان نیروی کار اصلی آن را تشکیل می دادند. اما این بار، بحران کرونا بیش از همه صنایعی را نشانه گرفته است که نیروی کار زنان بر آن مسلط است؛ بخش های خدماتی، صنعت گردشگری و خرده فروشی از این جمله اند. گردشگری، که ۱۰.۵٪ از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص می دهد، تا ۷۰ درصد دچار افت شده است؛ در حالی که تعداد زیادی از ۳۱۹ میلیون شاغل این بخش را زنان و جوانان تشکیل می دهند. همچنین، قسمت بزرگی از نیروی کار بخش آموزش، که سه چهارم آن را زنان تشکیل می دهند، در سطح جهان قراردادهای موقت دارند و از مزایای بیکاری برخوردار نیستند. همچنین، بسیاری از کارکنان بخش بهداشت و سلامت، که ۷۰ درصدشان را زنان تشکیل می دهند، علاوه بر فشارهای ناشی از افزایش ساعات کار، از تجهیزات حفاظتی برخوردار نیستند و ده ها هزار

بحران کرونا، برخلاف بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، بخش ها و صنایعی را نشان گرفته است که نیروی کار زنان بر آن ها مسلط است.



در انگلستان و ایالات متحده درصد مبتلایان در میان برخی اقلیت های قومی-نژادی بیش از سهم شان از کل جمعیت است و نسبت بزرگ تری از این افراد امکان رعایت اصول فاصله گذاری اجتماعی را ندارند.

کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی

گزارش یازدهم | هفتم تیر ۱۳۹۹

مالی سال ۲۰۰۸، مباحث مربوط به استانداردهای حمایت اجتماعی و لزوم تاب‌آوری اجتماعی محلی بیش از پیش وارد گفتمان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شد. در واقع، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی توافق دارند که بحران‌هایی از این دست می‌توانند فرصتی را برای تغییر سیاست‌ها و حرکت به سمت یک نظام حمایتی جامع‌تر در اختیار دولت‌ها قرار دهند. اما، تجربه کرونا نشان داد که توافق‌نامه‌هایی مانند «توصیه‌نامه کف حمایت اجتماعی» (Social Protection Floors Recommendation) سازمان بین‌المللی کارو «چارچوب کاری هیوگو» (Hyogo Framework for Action) برای کاهش خطرپذیری فجایع، هیچ یک تأثیر چندانی بر آمادگی بیشتر در مقابل بحران‌ها و کاهش خطرپذیری فجایع نداشته است.

البته طبقاً دولت‌ها آرام نشده‌اند و واکنش‌های زیادی در جهت حمایت از اقتصاد ملی، نیروی کار و اقشار آسیب‌پذیر نشان داده‌اند. **گزارش چهارم** به اقدامات کشورهای همسایه ایران، و **گزارش‌های اول و دوم** به خلاصه‌ای از اقدامات حمایتی کلیه کشورهای جهان، پرداخته‌اند. مهم‌ترین این حمایت‌ها در قالب معافیت‌های مالیاتی (اشخاص، کسب‌وکارها و مالیات بر مصرف)، تمویق در بازپرداخت مالیات، افزایش موقتی مدت مرخصی استعلاجی، ارائه یارانه به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، اختصاص یارانه عمومی یا به بخش‌های کم‌درآمد جمعیتی و تعلیق پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی ارائه شده است. در نگاهی کلی، به نظر می‌رسد تمرکز این حمایت‌ها، تا کنون، بر نیروی کار رسمی و کسب‌وکارهای بزرگ و بخش خصوصی بوده است. در این بسته‌های حمایتی و محرک اقتصادی اغلب نسبت به اقشار آسیب‌پذیر، مانند نیروی کار غیررسمی، و نسبت به موضوعاتی چون مسکن و تغذیه، کم‌توجهی شده است.

گزارش دوم، به اقدامات محدودی که کشورهای مختلف در رابطه با مسکن و حمایت از مستأجرین انجام داده‌اند پرداخته و در **گزارش دهم** این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. این گزارش علاوه بر حمایت‌های کشورهای مستأجرین در طول بحران کرونا، به قوانین کلی این کشورها در زمینه کنترل بازار مسکن و کنترل اجاره‌بها نیز پرداخته است.

علاوه بر اقدامات دولتی (راهکارهای از بالا به پایین) که به آن اشاره شد، **گزارش هفتم** به نمونه‌های راهکارهای تاب‌آوری و توانمندسازی اجتماعات (راهکارهای از پایین به بالا) در مقابل بحران می‌پردازد: تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و اتحادیه‌های کارگری. اتخاذ الگوی سه جانبه هم‌کاری میان بخش دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌تواند به توانمندسازی هرچه بیشتر اجتماعات یاری رساند. اما همان‌طور که در گزارش هفتم مشاهده کردیم، با وجود افزایش چشم‌گیر تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح جهان، و فعالیت گسترده این سازمان‌ها برای حمایت از آسیب‌دیدگان همه‌گیری جهانی کووید-۱۹، روابط هم‌کارانه میان این

در اغلب کشورهای در حال توسعه، متوسط هزینه اجرای طرح‌های همگانی حمایت اجتماعی معادل با ۱٫۶٪ از تولید ناخالص ملی هر کشور می‌باشد.

سازمان‌ها و دولت در بسیاری از کشورها رشد چندانی نیافته است. همچنین، نگاهی به آمارهای کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری نشان می‌دهد که اتحادیه‌های کارگری در حدود ۴ تا ۴۵ درصد کشورها، کیفیت خدمات ارائه شده به نیروی کار را بد و میزان این خدمات را ناکافی می‌دانند. در عین حال، در بسیاری از کشورها کارگران نمی‌توانند متشکل عمل کنند و امروز در ۸۰ درصد کشورها حق چانه‌زنی جمعی کارگران از جانب مقامات منع شده است.

بنابراین می‌توان گفت که اگرچه حوزه گفتمانی در سطح بین‌المللی نشان از توجه به توسعه نظام جامع حمایت اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی دارد، اما این توافقات چندان عملی نشده و ما عملاً برای شرایط بحرانی آمادگی نداریم.

توافقات‌های بین‌المللی علی‌رغم استطاعت مالی دولت‌ها عملی نمی‌شوند

گزارش پنجم این مجموعه نشان می‌دهد که دلیل آماده نبودن نظام‌های حمایت اجتماعی برای مقابله با بحران عدم استطاعت مالی دولت‌ها نیست. گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط از منابع مالی لازم برای رسیدن به اهداف چهارگانه حمایت اجتماعی (۱. کمک هزینه برای همه‌ی کودکان، ۲. مزایای زایمان برای همه‌ی زنان، ۳. مزایای اجتماعی برای همه‌ی افراد دارای معلولیت‌های شدید و ۴. مستمری‌های عمومی برای سنین بالا). برخوردار هستند. در اغلب کشورهای در حال توسعه، متوسط هزینه اجرای طرح‌های همگانی حمایت اجتماعی، و رسیدن به چهار هدف مذکور، معادل با ۱٫۶٪ از تولید ناخالص ملی هر کشور می‌باشد.

ادامه روند بحران و افزایش فقر ناشی از آن به کجا می‌انجامد؟

در انتهای **گزارش نهم** این سوال را مطرح کردیم که آیا تعدد اعتراضات مردمی در سال‌های اخیر ناشی از بحران‌های پی‌درپی و افزایش فقر و نابرابری ناشی از آن‌ها بوده است؟ تعداد اعتراضات مردمی عمده‌ای که بیش از چند روز ادامه داشته و تأثیراتی (خرد و کلان) در سطح ملی به جا گذاشته در جهان در حال افزایش است. نگاهی به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که این اعتراضات، هر شش قاره را در بر گرفته و در نظام‌های سیاسی مختلف به نحوی ظهور پیدا کرده است. در سال میلادی گذشته، معترضانی خشمگین در پاریس، لاپاز، پراگ، پورتو پرن، بیروت، برلین، کاتالونیا، قاهره، هنگ‌کنگ، تهران، بغداد، لندن، دهلی‌نو، سیدنی، سئول، جاکارتا، و بسیاری پایتخت‌های دیگر به خیابان ریختند تا اعتراض خود را به نمایش بگذارند. محرک‌های این حرکات اعتراضی، که در برخی موارد، مورد سوءاستفاده نیز قرار گرفته‌اند، بسیار متنوع، اما در بسیاری از موارد کوچک و غیرقابل

پیش‌بینی بودند. از این میان می‌توان به افزایش قیمت نان (سودان)، افزایش قیمت پیاز (هند)، کاهش بودجه اختصاص داده شده به کتب درسی (برزیل)، وضع مالیات بر مکالمات واتس‌آپ (لبنان)، افزایش قیمت بیط مترو (شیلی) و افزایش قیمت بنزین (ایران) اشاره کرد. چنان‌که می‌دانیم در دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ در ایران نیز اعتراضات گسترده‌ای به وقوع پیوست. در سال ۹۶، دست‌کم ۷۷ شهرستان، و در سال ۹۸، ۸۲ شهرستان، از ۴۲۹ شهرستان کشور، دست‌خوش ناآرامی شدند و در برخی از آن‌ها این ناآرامی‌ها به خشونت کشیده شد. نگاهی به شهرستان‌هایی که اعتراضات در آن‌ها به خشونت کشیده شد نشان می‌دهد که اثر جمعیتی عواملی مانند مشارکت پایین در انتخابات، خشک‌سالی و بیکاری جوانان با به خشونت کشیده شدن اعتراضات همبستگی دارد. البته باید اذعان کرد که اعتراضات اجتماعی پدیده‌های پیچیده‌ای هستند، در زمینه‌های تاریخی اتفاق می‌افتند و با مدل‌سازی‌ها و شاخص‌های آماری چندان قابل توضیح نیستند. اما، در نگاهی بسیار کلی می‌توان افزایش تعداد و شدت بحران‌ها در قرن بیست و یکم را در کنار فقدان سیاست‌های حمایت اجتماعی برای تاب‌آوری اجتماعات، یکی از دلایل اصلی افزایش اعتراضات این چنینی در سطح جهان تلقی کرد.

شماره‌های پیش رو

نویسندگان این مجموعه معتقدند که سیاست‌گذاران دولت جمهوری اسلامی ایران بایستی با استفاده از ضرب‌آهنگ ایجاد شده در اثر همه‌گیری جهانی کووید-۱۹، به سمت نظام جامع حمایت اجتماعی برخوردار از منابع مالی پایدار، گام بردارد. برای سیاست‌گذار، در عصری که بحران «روزمره» شده است و نابرابری در اثر بحران هر روز افزایش پیدا می‌کند، محرک اصلی توسعه نظام جامع رفاهی و تاب‌آوری اجتماعات، بیش و پیش از هر چیز دیگر، حفظ ثبات سیاسی و امنیت ملی است. بدین معنا، از دید سیاست‌گذار، توسعه حمایت اجتماعی بر سایر امور تقدم دارد.

تمرکز اصلی گزارش‌های پیش‌رو بر موارد زیر خواهد بود:

- رصد شرایط افراد، خانوارها، اجتماعات و گروه‌های جمعیتی که بیش از سایرین در معرض آسیب‌های ناشی از بحران کرونا هستند، مانند فقرا، جوانان، زنان، کودکان، حاشیه‌نشینان، سالمندان، اقلیت‌ها و شاغلین غیررسمی؛
- راهکارها و توصیه‌های کاربردی، با الهام از تجربیات جهانی، جهت توسعه نظام جامع حمایت اجتماعی برای پاسخ‌گویی بهتر در مقابل بحران؛
- راهکارها و توصیه‌های کاربردی، با الهام از تجربیات جهانی، جهت تاب‌آوری اجتماعات برای پاسخ‌گویی بهتر در مقابل بحران.

در سال میلادی گذشته، بسیاری از پایتخت‌های جهان، مانند پاریس، پراگ، پورتو پرنس، بیروت، برلین، قاهره، هنگ‌کنگ، بغداد، لندن، دهلی‌نو، سیدنی، سئول و جاکارتا، صحنه اعتراضات بوده است. محرک‌های اولیه این حرکات اعتراضی، در بسیاری از موارد کوچک و غیرقابل پیش‌بینی بودند.

اگرچه حوزه گفتمانی در سطح بین‌المللی نشان از توجه به توسعه نظام جامع حمایت اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعات دارد، اما این توافقات چندان عملی نشده و ما برای شرایط بحرانی آمادگی نداریم.